

داستان مرغ ماهی خوار و ماهیان

مقدمه

مرزبان نامه
نوشته‌ی
مرزبان بن رستم
از شاهزادگان
طبرستان در
اواخر قرن چهارم
هجری است که
سعدالدین
وراوینی آن را به

اشاره:

در این مقاله نویسنده موضوع همانند و احتمالاً هم مأخذ داستان مرغ ماهی خوار و ماهیان را در دو کتاب کلیله و دمنه و مرزبان نامه بررسی و مقایسه می‌کند و ضعف و قوت و نقص و کمال آن دو را نسبت به هم باز می‌نماید، روشمندی و دادن اطلاعات دقیق اساس نوشته را تشکیل می‌دهد.
خانم منیر السادات هژبر دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی و دبیر زبان و ادبیات فارسی شهرستان قزوین است که چندین مقاله‌ی دیگر از وی در همین مجله چاپ شده است.

مگر مرزبان نامه
که خواسته است
از کلیله و دمنه
تقلید کند. «^۳
در مورد
پژوهش حاضر،
هر دو کتاب از
یک شیوه‌ی
داستان پردازی
خاص

برخوردارند؛ یعنی مطالب خود را از زبان حیوانات و گیاهان بیان می‌کنند تا حاکمان و فرمان‌روایان خودکامه را برنینگیزاند. منشیان در هر دو کتاب نثر خود را با انواع صنایع بدیعی و لطایف معنوی و لفظی و حدیث و آیات قرآنی و مثل‌های تازی و پارسی آراسته‌اند. استاد محمد تقی بهار در این باره بدین گونه کتاب‌های

مزبور را وصف می‌کند: «بالجمله مرزبان نامه‌ی معروف یکی از جواهر گران‌بهای تاج ادبیات فارسی است بلکه می‌توان گفت که این کتاب و کلیله و دمنه، دو گوهرند که توأم بر دیهیم کلام فارسی قرار دارند.»^۴
این پژوهش به بررسی مقایسه‌ای داستان مرغ ماهی خوار و ماهیان در این دو کتاب می‌پردازد.

اهداف تحقیق

۱- تبیین مقایسه‌ای روایت‌گر دو داستان مشابه در

زبان دری و به سبک و شیوه‌ی انشای زمان خود برگردانیده است (۶۲۲-۶۰۸ هجری).

حدود ده سال قبل از سعدالدین یکی از فضلالی مکتبه موسوم به محمد بن غازی این کتاب را اصلاح و انشا نموده و آن را روضة العقول نامیده است.^۱

مرزبان نامه کتابی است از زبان جانوران و

مانند کلیله و دمنه. این کتاب که از گویش طبری باستان به زبان پارسی دری برگردانده شده است، تا حدودی همان مفاهیم کتاب کلیله و دمنه را البته با سجع و ازدواج بیشتر در بردارد. «مرزبان نامه از لحاظ شیوه‌ی نثر پیرو سبک نصرالله بن منشی است.»^۲

«مهم‌ترین صنعتی که در کلیله و دمنه به کار رفته صنعت موازنه یا قرینه‌سازی است و بنای این کتاب بر موازنه و قرینه‌سازی و مزدوجات و مترادفات و احیاناً سجع است و نیز در آوردن تمثیل‌های زیبا و آداب و حکم در عالم خود بی‌نظیر است، و کمتر کتابی در عجم نظیر آن نوشته شده

کتاب های کلیله و دمنه و مرزبان نامه

۲- مقایسه ی دلیل و شأن روایت این دو داستان در کتاب های مذکور

۳- مقایسه ی مضمون و محتوای این دو داستان در کتاب های یاد شده

۴- مقایسه ی شیوه و سبک نوشتاری این دو حکایت در کتاب های یاد شده

۵- مقایسه ی پیام های این دو حکایت در آن ها

۶- مقایسه ی روش پروراندن مطلب و ساخت شخصیت های داستان در آن ها

مواد و روش کار:

منابع اصلی این تحقیق عبارتند از:

۱- کتاب کلیله و دمنه از ابوالمعالی نصرالله منشی به اهتمام دکتر محمد روشن، چاپ گلشن، ۱۳۷۴.

۲- کتاب مرزبان نامه به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، انتشارات صفی علیشاه، چاپ ششم، ۱۳۷۵.

دو داستان با مضمون مشترک از این دو کتاب انتخاب شده است که داستان «ماهی خوار و پنج پا یک» از کلیله و دمنه و داستان «ماهی و ماهی خوار» از کتاب مرزبان نامه.

ابتدا، هر دو داستان به طور جداگانه مطالعه شد و مطالب لازم مرتبط با اهداف تحقیق از متن داستان استخراج و فیش برداری گردید. سپس به صورت مقایسه با کتاب دیگر و ذکر نقاط اختلاف و اشتراک آن ها ارزیابی و نوشته شد.

نتایج پژوهش:

نتایج مطالعه ی مقایسه ای دو داستان «ماهی خوار و پنج پایک» و «ماهی و ماهی خوار» در دو کتاب کلیله و دمنه و مرزبان نامه:

۱- روایت گر داستان و دلیل روایت آن:

داستان مرغ ماهی خوار در کلیله و دمنه از زبان شغال به صورت حکایت در حکایت بیان می شود. شغال که دوست زاغ است در پاسخ زاغ که از تعرض مار به خانه اش و هلاکت فرزندانش به ستوه آمده بود، او را به برخورد و مقابله ی خردمندانه با مار فرا می خواند و از برخورد احساسی برحذر می دارد و به او می گوید که طوری با دشمن خود (مار) مقابله نکند که به ضرر خودش (زاغ) تمام شود و برای توضیح این مطلب داستان مرغ ماهی خوار و پنج پایک را مثال می آورد. شغال دلیل آوردن چنین حکایتی را توصیه ی زاغ به تدبیر و خردورزی در عرصه ی مقابله با دشمنان می داند و در همین

مورد به وی می گوید: «این تدبیر بابت خردمندان نیست چه

خردمند قصد دشمن به وجهی کند که در آن خطر نباشد.»

اما در مرزبان نامه داستان ماهی خوار و ماهی از زبان

کبکی بیان می شود به اسم «ایرا» که برای کبک دیگری به

اسم «آزادچهر» داستان را تعریف می کند (این حکایت با

عنوان مستقل در متن کتاب بیان شده است) این دو کبک در

منطقه ای کوهستانی در آذربایجان آشیانه داشتند و عقابی در

آن منطقه هر چند گاه یک بار به لانه ی کبکان حمله می برد و

تخم و نوزادان کبک ها را می ربود، این دو کبک در یک

چاره اندیشی برای این قضیه راه حل های مختلفی را بررسی

می نمایند از جمله کوچ کردن از موطن خود و پناه بردن و

استیمان و استنجاح از عقاب را مطرح می سازند.

ایرا (کبک سال خورده) که بیشتر سردوگرم روزگار

چشیده بود داستان ماهی و مرغ ماهی خوار را در پاسخ

آزادچهر که راه حل پناه بردن و امان خواستن از عقاب را

مطرح ساخته بود بیان می کند و ضمن خطرناک توصیف

کردن این راه حل می گوید: «ما را این همه رنج و محنت از

یک روزه ملاقات عقاب است تو خود را و مرا به سلاسل

جهد و حائل جد بدو می کشی.»

هدف ایرا از بیان این مثال داستانی توجه دادن آزادچهر

به روش اصولی و غیر احساسی و عاقلانه در برخورد با دشمن

است.

۲- مضمون داستان:

در کلیله و دمنه سخن از ماهی خواری است که

مدت های مدیدی در کنار آبی سکونت داشته و هر روز به

قدر نیاز روزانه ی خود ماهی می گرفته و عمر را در آسایش

و نعمت می گذرانده است، سرانجام، پیری بر وی غالب

می آید و از شکار روزانه به علت ضعف قوای جسمانی باز

می ماند. با خود می گوید: «افسوس که عمرم به سرعت

سپری شد و از آن جز تجربه و ممارست چیزی باقی نماند.»

لذا برای گذران بقیه ی عمر از آن به بعد تصمیم می گیرد به

جای نیروی جوانی بر فکر و تجربه ی خود متکی باشد، پس

راه حیل و مکر را برمی گزیند، خود را اندوهگین نشان

می دهد و کنار آب می نشیند. خرچنگی او را می بیند و از

چگونگی غم و اندوه وی می پرسد. ماهی خوار در پاسخ

می گوید: «چرا غمناک نباشم که اخیراً شنیده ام دو صیاد

قصد آن دارند که تمام ماهیان این آبگیر را صید نمایند و من

در فکرم که اگر چنین شود، هم ماهیان آسیب خواهند دید و

هم من از گرسنگی خواهم مرد.» خرچنگ (پنج پایک) قضیه

را باور کرده، خبر آن را به ماهی‌ها می‌رساند و همه‌ی ماهی‌ها نزد ماهی‌خوار می‌آیند و ساده‌لوحانه راه حل این مشکل را از دشمن خود (ماهی‌خوار) طلب می‌کنند. مرغ ماهی‌خوار می‌گوید که: «من با صیّادان مقابله نتوانم کرد ولی در همین نزدیکی آبیگری را می‌شناسم که آبش صاف و زلال است، اگر شما بخواهید، می‌توانم شما را برای دور ماندن از قصد صیّادان به آن جا راهنمایی نمایم و ببرم.» ماهیان فریب می‌خورند و قصه‌ی ساختگی ماهی‌خوار را باور می‌کنند، ماهی‌خوار برای تثبیت قصه‌ی ساختگی خود

می‌افزاید: «که بردن همه‌ی شما وقت زیادی می‌گیرد، من می‌توانم هر روز تعدادی از شما را به آن آبیگیر ببرم.» و سرانجام با تضرع و زاری ماهی‌ها که از مکر ماهی‌خوار بی‌خبرند و مرعوب قصه‌ی ساختگی و زیرکانه‌ی او شده‌اند، قرار می‌شود که روزانه تعدادی ماهی را به آبیگیر خیالی ببرد. بدین ترتیب ماهی‌خوار با چنین حيله‌ای قوت و

غذای روزانه‌ی خود را به دست می‌آورد و هر روز چند ماهی را می‌برد و در قسمت بالاتر آبیگیر می‌خورد و بازمی‌گردد. ماهی‌های دیگر بی‌خبر از این حیلت برای رفتن به آبیگیر خیالی با هم مسابقه می‌دهند و بی‌تابی می‌کنند پس از چندی خرچنگ نیز هوس رفتن به آبیگیر خیالی را می‌کند، ماهی‌خوار او را بر پشت خود می‌گیرد و به محل خوابگاه (مرگ) ماهیان می‌برد. خرچنگ از دور استخوان‌های ماهی‌های قبلی را می‌بیند و متوجه قضیه و فریب مرغ ماهی‌خوار می‌گردد. لذا بین تسلیم به سرنوشت و مرگ یا دفاع از خود و مبارزه، راه دوم را می‌گزیند و حلق ماهی‌خوار را به قدری می‌فشارد که ماهی‌خوار می‌میرد و

خرچنگ نجات می‌یابد و به نزد بقیه‌ی ماهیان باز می‌گردد و ضمن تسلیت، حیات ایشان را تبریک می‌گوید و تمام قضیه را برای آن‌ها توضیح می‌دهد، ماهیان شاد می‌شوند و مرگ ماهی‌خوار را شروع عمر دوباره خود می‌پندارند. در تکمیل مضمون این داستان، شغال هدف از ارائه‌ی این داستان را چنین بیان می‌کند: «این مثل بدان آوردم که بسیار کس به کید و حیلت، خویش را هلاک کرده است؛ لکن من ترا وجهی نمایم که اگر به آن کار توانا گردی سبب بقای تو و موجب هلاک مار باشد.»

اما در مرزبان نامه حکایت چنین آورده شده است: مرغ ماهی‌خواری سال خورده و مبین به علت پیری، قدرت شکار و نشاط حرکت خود را از دست داده بود. روزی که از گرسنگی بی‌طاقت گشته بود کنار جویباری نشست و مترصد روزی از غیب شد، در این هنگام ماهی‌ای از آن جا می‌گذشت. ماهی‌خوار را غمناک و اندوهگین یافت، علت را پرسید، ماهی‌خوار گفت که:



«سنى از من گذشته و سفینه‌ی عمر من به ساحل رسیده است به گذشته‌ی خود که می‌نگرم آن را پر از جنایت و ظلم در حق دیگران می‌یابم که البته به علت جهل بوده است و چون در انتهای عمرم هستم مایلم که توبه و استغفار کنم. از گذشته‌ی خود پشیمانم و امروز نیت کرده‌ام و در این اندیشه هستم که از ماهیان این آبیگیر که سال‌ها به آن‌ها ظلم کرده‌ام حلالی بطلبم تا هم آن‌ها به ثواب عفو برسند و هم من رستگار شوم و از کیفر گناهان رهایی یابم.» ماهی فریب خورد و گفت: «من چه کمکی می‌توانم به شما بنمایم؟» ماهی‌خوار گفت: «اکنون که از نیت من آگاه شدی و سخنان مرا شنیدی این قضیه را به بقیه‌ی ماهی‌ها نیز بگو.» ماهی در پاسخ

گفت: «برای اطمینان خاطر من باید سوگند بخوری تا اعتماد من به سخنانت بیشتر شود و دست اعتماد به من بدهی و وفاداری خود را به این سخنان اعلام نمایی. لکن قبل از دست دادن ما با هم، من چگونه مطمئن شوم که تو قصد جان مرا نداری؟» مرغ ماهی خوار گفت: «با این گیاه منقار و چانه‌ی مرا ببند تا مطمئن شوی که من قصد جان تو را ندارم.» همین که ماهی خواست گیاه را بگیرد ماهی خوار سر فرود آورد و او را شکار کرد.

ایرا هدف از ارائه‌ی این افسانه را چنین شرح می‌دهد: «این افسانه از بهر آن گفتم تا دانی که ما را در قربت عقاب و مجاورت او مصلحتی نیست»

۳- شیوه و سبک نوشتاری:

داستان مورد نظر در کلیله و دمنه به صورت کوتاه تر و با استفاده از جمله‌های ساده و مختصر بیان شده است، زیرا در کلیله و دمنه اطناب اصولاً در آغاز فصول و در توصیف‌های ادبی و لفظی به کار رفته است و حکایت‌ها به خصوص آن‌هایی که در ضمن حکایت دیگری بیان شده موجز و مفید معناست و هر چند نثر این کتاب فنی است و از واژه‌ها و کلمات عربی و اشعار تازی استفاده شده است ولی ساختار نوشته و نثر آن به گونه‌ای است که می‌توانیم با یک بار مطالعه‌ی داستان، هدف آن را به صراحت و روشنی دریابیم.

این داستان در کلیله و دمنه در یکصد و یازده (۱۱۱) جمله همراه با ۴ بیت شعر عربی و فارسی بیان شده است بدون تکرار فعل که این تأسی نویسنده به تأزیان است که «یکی تنوع را می‌پسندند و دیگری عدم تکرار و فراموشی از گذشته. و تکرار را مَخلِ بلاغت و فصاحت شمارند.»^۵ در مرزبان نامه، قصه به گونه‌ای پیچیده تر و با استفاده از جملات طولانی تر و واژه‌ها و اشعار عربی متعددتر و به صورت تفصیلی آمده است و برای فهم این مطلب لازم است که باب نهم کتاب از آغاز مطالعه شود.

این حکایت در مرزبان نامه به طور مستقل و با عنوان «داستان ماهی و ماهی خوار» و در ۷۷ جمله بیان شده است. چهار بیت شعر فارسی و دو بیت شعر عربی نیز چاشنی آن شده است. گنجیدن این حکایت در مرزبان نامه در ۴۰ سطر و در کلیله و دمنه در ۴۲ سطر از صفحات کتابی به قطع یکسان، میزان نزدیکی و یکسانی بیان مطلب را در ظرف کمی جمله‌ها و واژگان می‌رساند در حالی که ۴۰ سطر مرزبان نامه حاوی ۷۷ جمله اما ۴۲ سطر کلیله و دمنه حاوی

۱۱۱ جمله است و این نشانگر کوتاهی و ایجاز جملات در کلیله و دمنه و اطناب جمله‌ها در مرزبان نامه است اگر چه مشهور است که «سبک و طریقه‌ی این دو کتاب بر یک منوال است الا سجع و ازدواج زیادت‌تر در مرزبان نامه»^۶، اما به نظر نگارنده طولانی بودن جمله‌ها نشانگر اطناب و توصیف بیشتر در مرزبان نامه است، جمله‌هایی که سرشار از تشبیهات، استعارات و واژگان دشوار و نامأنوس عربی است و خواننده را تا مدتی سردرگم می‌کند؛ شاهد آن که تنها برای بیان شکایت ماهی خوار از درازی عمرش و ناتوانی او در شکار کردن، بیش از ۲۲ جمله را در ۱۶ سطر به کار برده است.

در هر دو کتاب حکایت مزبور با استشهاد از اشعار عربی و فارسی مزین شده و در کلیله و دمنه به ذکر حدیث و در مرزبان نامه به آیه‌ای از سوره‌ی یس، استشهاد نموده است. کنایه نیز از جمله آرایه‌هایی است که در کنار ضرب المثل در این دو کتاب و این حکایت‌ها به کار رفته است، کاربرد آرایه‌ی جناس در مرزبان نامه بیشتر و سجع در کلیله و دمنه چشم‌گیرتر است.

۴- پیام‌های داستان:

اصلی‌ترین پیام داستان در کلیله و دمنه عبارت از این است که در مقابله با دشمن باید از روش‌هایی استفاده کرد که باعث هلاک دشمن و بقای ما شود و این کار مقدور نیست مگر با به کارگیری عقل و خرد و دوراندیشی و پرهیز از ساده‌انگاری و زودبازی. پیام‌های دیگری نیز در روایت کلیله و دمنه وجود دارد که اهم آن‌ها به شرح زیر است:

۱- بیان مضرآت عدم دوراندیشی و فراهم‌نساختن اسباب زندگی دوران‌پیری در زمان داشتن قوت و قدرت جوانی.

۲- بیان این مطلب که گذشت زمان توان جسمی را تحلیل می‌برد ولی توان فکری و تجربت را افزایش می‌دهد.

۳- نشان دادن عوارض ساده لوحی که در زندگی به ضرر شخص تمام می‌شود.

۴- بیان قرار گرفتن شخص بر سر دو راهی مرگ با ذلت یا مرگ با عزت و رجحان دوم بر اولی.

۵- نشان دادن عوارض طمع کار بودن و نتیجه‌ی مغایر آن بر ضد شخص طمع کار.

اصلی‌ترین پیام داستان به روایت مرزبان نامه عبارت است از: نشان دادن سرانجام ساده لوحی و حماقت که سبب شکست اساسی در زندگی می‌شود. یکی از پیام‌های فرعی

داستان نیز آن است که اگر به روز توانایی فکری به حال آینده نشود، سرانجام در روز ناتوانی و مشکلات باید خود را به دست قضا و قدر سپرد و یا از طرق نادرست و مکر و حيله به تأمین مایحتاج زندگی و قوت روزانه پرداخت. دیگر پیام این حکایت مصداق ضرب المثل مشهور «توبه ی گرگ مرگ است» می باشد و به آن که ذاتش بد است و کُنش و منش او بر همگان آشکار، نباید گمان خوبی و اصلاح رفتار برده شود. به طور کلی پیام های حکایت مزبور در مرزبان نامه بیشتر حول محورهای حماقت و ساده لوحی، سست فکری و عدم نگرش عمیق به کار دشمن و نیت او و نداشتن دوراندیشی و آینده نگری می باشد.

۵. روش پرداخت و توضیح مطالب و پروراندن شخصیت های داستان:

در روایت کلیله و دمنه علی رغم کوتاهی عبارت ها، در جملاتی که برای توضیح و بیان داستان به کار رفته است، شخصیت مرغ ماهی خوار و طرز فکر او به خوبی ترسیم شده است و حيله ای که برای رسیدن به مقصدش به کار برده است پیچیده تر و زیرکانه تر می باشد و در پایان قصه نیز یکی از شخصیت های داستان (پنج پایک) هوشیار می شود و جنبه ی مثبت داستان (مرگ مرغ ماهی خوار و رهایی بقیه ی ماهیان و پنج پایک) اتفاق می افتد. این داستان در دو مرحله پرداخته شده است. مرحله ی اوّل: پیروزی شخصیت منفی داستان، مرحله ی دوّم: پیروزی شخصیت های مثبت داستان.

در روایت مرزبان نامه علی رغم این که جملات طولانی تر است و واژه های سنگین تری به کار رفته است، حیلت به کار رفته نسبت به کلیله و دمنه ساده تر است و داستان تنها در یک مرحله و به صورت یک تراژدی بیان می شود که بامرگ ماهی خاتمه می یابد و شخصیت منفی داستان زنده می ماند و نتیجه ی حيله گری ماهی خوار عمق چندانی ندارد و در مقایسه با زحماتی که برای رسیدن به مقصودش باید متحمل شود عاید چشم گیری ندارد.

در کلیله و دمنه مرغ ماهی خوار با یک واسطه (پنج پایک) تعداد زیادی ماهی را همه روزه و به میل و اصرار خود ماهی ها به دام می اندازد، حال آن که در مرزبان نامه، ماهی خوار پیر باید تمام قصه ای را که برای اوکین ماهی گفته است، برای تک تک صیدهایش باز گو کند یعنی صرف انرژی بیشتر و کسب عواید کمتر و این درست به عکس نتیجه در کلیله و دمنه است و حاصل آن که ماهی خوار کلیله و دمنه باهوش تر و مکارتر از ماهی خوار مرزبان نامه است.

نتایج سیاسی و اجتماعی داستان:

هر دو کتاب مرزبان نامه و کلیله و دمنه که تربیت اجتماعی و سیاسی مردم عصر خود و ارائه ی روش های مطلوب زندگی و نصایح و اندرزها را به آنان از طریق بیان حکایات و تمثیل ها از زبان حیوانات در پیش گرفته اند، در این حکایت برای برخورد با مشکلات زندگی به خردورزی، عدم برخورد احساسی، محاسبه گری و آینده نگر بودن و هم چنین اندیشیدن درباره ی عواقب هر تصمیم و عمل کردی توصیه می نمایند.

این توصیه ها در هر عصری دارای کاربرد می باشند و هر قدر دامنه ی تأثیر این تصمیمات و عمل کردها بیشتر باشد (همانند تصمیم گیری های سیاسی - اجتماعی - اقتصادی) ضرورت دقت و آینده نگری در آن ها بیشتر خواهد بود، چرا که در صورت عدم رعایت این نکات و ساده انگاری و ساده لوحی در تصمیم گیری ها و شکست عمل کردها، عواقب آن گریبان گیر عده ی زیادی از مردم جامعه خواهد شد. این هنر و شیوه که امروز، به اتخاذ تصمیمات موردی (تاکتیکی) بر اساس یک راهبرد دراز مدت (استراتژی) تعبیر می شود، یک اصل مهم در تصمیم گیری های اجتماعی و سیاسی محسوب می شود که لازم است هم در زندگی فردی و خانوادگی و هم در تصمیم گیری های سیاسی و اجتماعی مورد توجه واقع شود و این دو کتاب به زبان حکایت و تمثیل به خوبی این نصیحت اجتماعی را بیان نموده اند.

فهرست منابع (کتاب نامه)

- ۱- بهار، محمدتقی، سبک شناسی (چاپ ششم)، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳، ج ۳، صص ۱۴-۱۶
- ۲- مرزبان نامه، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، چاپ ششم، ۱۳۷۵، ص الف
- ۳- سبک شناسی، همان، ج ۲، صص ۲۵۲
- ۴- گزینة کلیله و دمنه، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، تهران، انتشارات مهتاب، ۱۳۷۳. چاپ دوم، صص ۱۱
- ۵- سبک شناسی، ج دوّم، صص ۲۷۰
- ۶- همان، ج سوّم، صص ۱۹۰
- ۷- همان، ج دوّم، صص ۲۸۹
- ۸- همان، ج دوّم، صص ۲۰-۲۱
- ۹- کلیله و دمنه، ابوالمعالی نصرالله منشی، به اهتمام محمد روشن با انتقادات سید محمد فرزانه، چاپ گلشن، ۱۳۷۴.